

کیفیت آموزش و اعتباربخشی در دانشکده‌های کسب و کار و رشته‌ی حسابداری

مهدی رضایی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۳

چکیده

کیفیت آموزش و اطمینان از آن همواره یکی از دغدغه‌های اساسی در فرآیند آموزش بوده است. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن تشریح و تعریف کیفیت آموزش یکی از فرآیندهای مهم در اطمینان بخشی کیفیت یعنی اعتباربخشی تبیین شود و در ادامه با تمرکز بر دانشکده‌های مدیریت و حسابداری و مشخصاً رشته‌ی حسابداری فرآیند اعتباربخشی و نهادهای فعال در زمینه اعتباربخشی در سطح بین‌المللی مورد بحث قرار گیرد. در سطح بین‌المللی، انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار در ایالات متحده آمریکا و بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت دو نهادی هستند که اعتباربخشی را برای دانشکده‌های کسب و کار و رشته حسابداری انجام می‌دهند. استانداردها و معیارهای ارزیابی به عنوان عاملی کلیدی در این فرآیند هم برای دانشکده‌های متقاضی گواهی و هم برای نهادهای اعتبارسنج مدنظر قرار می‌گیرند. از این رو در ادامه نکات کلیدی استانداردهای این دو نهاد مورد بحث قرار گرفته است. این بررسی نشان می‌دهد که تمرکز بر راهبرد و تهیه و تدوین آن، توجه به محیط کسب و کار و ارتباطات با شرکت‌ها و آموزش عملی، مدیریت مناسب منابع، تلفیق مناسب تئوری‌ها، پژوهش و رویه‌های مناسب عملی در آموزش و رعایت اخلاق از جمله موارد کلیدی مورد اشاره دو استاندارد بوده است. همچنین بین‌المللی‌سازی دانشکده موضوعی است که در در استانداردهای بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت بیشتر از انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: کیفیت آموزش، اعتباربخشی، استانداردها اعتباربخشی، رشته حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M41,P46

مقدمه

کیفیت در آموزش عالی یکی از ارکان مهم و حیاتی محسوب می‌شود که به صورت غیر مستقیم تأثیر بسزایی بر سرنوشت کشور دارد، زیرا کیفیت می‌تواند به عنوان ترکیبی از کارآیی، بهره‌وری، اثربخشی، پاسخگویی، توان نوآوری و وضعیت آموزشی بیان شود (گوهارجاده، ۱۹۹۹). به عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌نظران، آموزش عالی وارد دوران جدیدی شده است که «رقابت» و «کیفیت» مشخصه‌های اصلی آن به حساب می‌آید. یکی از چالش‌های فراروی دانشگاه‌های هزاره جدید مفهوم کیفیت و انتظاراتی است که گروه‌های ذی‌نفع از آموزش عالی برای تضمین و اطمینان از این مفهوم دارند (گرتز، ۱۹۹۹). در سال‌های پایانی قرن بیستم «انگاره» جدیدی در مورد کارکردهای آموزش عالی در جامعه جهانی ظاهر شده است؛ مادامی که دانشگاه‌ها بخواهند نقش یک «جامعه‌ی آگاه» را حفظ کنند، باید عملکرد خود را بهبود دهند (نادری و فرخ‌نژاد، ۱۳۸۴).

اعتباربخشی به عنوان نشانه‌ی کیفیت^۱ تعریف شده است و نقش اصلی آن تأیید صلاحیت عمومی یک مؤسسه آموزشی یا یک برنامه‌ی آموزشی است (زین آبادی و همکاران، ۱۳۸۴). در خصوص فواید و مزایای اعتباربخشی عقاید متفاوتی مطرح شده است. برخی‌ها معتقدند که اعتباربخشی به شناسایی رسمی از وضعیت و کیفیت پدیده مورد ارزیابی منتهی می‌شود، که این امر نه تنها منجر به بررسی و شناسایی مدارک و منابع مؤسسه شده، بلکه منجر به کسب مشروعیت در نظام آموزش عالی و در نتیجه توجه کارفرمایان و داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و دیگر افراد ذی‌نفع می‌گردد. همچنین به متقاضیان این اطمینان را می‌دهد که وضعیت و کیفیت یک مؤسسه یا برنامه مورد تأیید (انجمن‌های تخصصی و یا دولت‌ها) است و بنابراین، نظر بر این است که آرامش خاطر مصرف‌کنندگان (درونی و بیرونی) یک پیامد مثبت اعتباربخشی است (دام، ۲۰۰۰).

در رشته‌هایی که نیاز به اعتماد عمومی بیشتری دارد، نقش و جایگاه کیفیت آموزش و تضمین آن پررنگ‌تر است. برای ارزیابی و تضمین کیفیت در رشته‌هایی مانند پزشکی، مهندسی، حقوق، مدیریت و حسابداری، سازمان‌هایی مجزا در سطح بین‌المللی نیز شکل گرفته‌اند. این سازمان‌ها وظیفه نظارت بر کیفیت، تضمین کیفیت و تدوین استانداردهای کیفیت در این گونه رشته‌ها را بر عهده دارند. در این میان رشته‌های حسابداری، مدیریت مالی، مدیریت بازرگانی و

صنعتی به دلیل آنکه از نظر محتوایی به یکدیگر نزدیک هستند، در یک دانشکده تحت عنوان دانشکده کسب و کار گرد هم آمده و تحت یک استاندارد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در ایران دانشکده‌ای به نام دانشکده کسب و کار وجود ندارد، اما معمولاً رشته‌های مدیریت، گرایش‌های مربوط به آن، رشته حسابداری در قالب یک دانشکده وجود دارد. در این مقاله سعی شده است در ابتدا کیفیت آموزش، اعتباربخشی و استانداردهای آن در نگاهی عام مورد ملاحظه قرار گیرد. در ادامه با تمرکز بر دانشکده‌های کسب و کار به عبارتی دانشکده مدیریت و حسابداری به معرفی استانداردهای کیفیت و تضمین کیفیت در دو نهاد بین‌المللی شامل انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار و بنیاد اروپایی توسعه مدیریت، پرداخته شده است. به دلیل تفاوت ماهوی رشته‌های مختلف ایجاد استانداردهای خاص برای ارزیابی، لازم است و توسعه ادبیات در این زمینه بر عهده متخصصان آن رشته یا دانشکده خاص است. با این وجود در زمینه اعتباربخشی و تضمین کیفیت در حسابداری مقاله‌ای فارسی منتشر نشده است. بنابراین این مقاله می‌تواند زمینه‌ساز توسعه ادبیات پژوهشی و انجام کارهای تخصصی در این حوزه باشد.

کیفیت آموزش و ارزیابی آن

کیفیت در آموزش عالی یک مفهوم چند بعدی است که می‌بایست تمام کارکردها و فعالیت‌ها از جمله آموزش، پژوهش، کارکنان، دانشجویان، امکانات و تجهیزات، خدمات به اقصای جامعه و دانشگاه را در برگیرد (یونسکو، ۲۰۰۰). به عبارت دیگر، بر اساس الگوی عناصر سازمانی برای بهبود کیفیت نظام آموزش عالی، باید به تمام عناصر اعم از درونداد، فرایند، محصول، برون‌داد و پیامدها توجه داشت (بازرگان، ۱۳۸۰).

تدوین و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مناسب که آرمان‌ها و هدف‌های نظام آموزش عالی را محقق سازد، مستلزم استفاده از ارزیابی است. به عبارت دیگر، با گردآوری داده‌های مناسب درباره آرمان‌ها و عناصر نظام و تبدیل آنها به اطلاعات، می‌توان درباره کیفیت طرح‌ها و برنامه‌های دانشگاهی قبل از اجرای آنها قضاوت کرد (بازرگان، ۱۳۷۴). ارزیابی کیفیت عبارت است از هر فعالیتی ساختارمندی که منجر به قضاوت درباره‌ی کیفیت نظام آموزشی شود و سازمان آموزشی را بر آن دارد تا به تقویت نقاط مثبت و یا بهبود و اصلاح نقاط ضعف یا منفی پردازد (ککلیل، ۲۰۰۲).

انجام ارزیابی درونی و ارزیابی بیرونی توسط کارشناسان مستقل و در صورت امکان توسط متخصصان خارجی (بیرون از سازمان) به طور شفاف، از جمله کارکردهای اساسی برای بهبود کیفیت است (یونسکو، ۲۰۰۰). در ارزیابی بیرونی هدف، پاسخگویی به افراد ذی ربط، ذی نفع و ذی علاقه در امور دانشگاهی و تضمین و استمرار کیفیت واحد دانشگاهی است، تا از این طریق ضمن مشخص نمودن کیفیت واحد دانشگاهی مورد ارزیابی، راه‌های اصلاح و بهبود واحد مذکور ارائه گردد. در نتیجه، تضمین کیفیت بیرونی بوسیله «هیئت همگن» تضمین لازم را برای ارتقای فرهنگ کیفیت فراهم می‌آورد (بازرگان، ۲۰۰۱).

ضرورت انجام ارزیابی بیرونی نیز از آن جهت است که جامعه علمی برای اطمینان از کیفیت آموزشی یک نظام، علاوه بر نتایج ارزیابی درونی تأیید هیئت همگن را نیز طلب می‌کند. اگر ارزیابی بیرونی بوسیله مدیران ارشد و مسئولان سطوح بالای وزارتخانه و دانشگاه‌ها مورد حمایت قرار گیرد و نتایج و پیشنهادهای آن به کار گرفته شود، مبنایی را برای تغییر در نظام آموزش عالی در جهت بهبود وضعیت آن نظام فراهم می‌نماید (بازرگان، ۱۳۸۰).

اعتبار بخشی یا تضمین کیفیت

اعتباربخشی فرآیندی است که از طریق آن اهداف، ساختار، دروندادها، فرایندها و بروندادهای عرضه شده نظام‌های آموزش عالی بررسی و طرحی برای حفظ، بهبود و افزایش کیفیت تهیه می‌گردد (بازرگان، ۲۰۰۱). بنابراین، هدف‌های اعتباربخشی یا تضمین کیفیت در آموزش عالی عبارتند از:

۱- کمک به مؤسسات آموزش عالی در دستیابی به دروندادهای لازم،

۲- بهبود فرآیندها،

۳- افزایش سطح استانداردهای مربوط به بروندادها (لمیتر، ۲۰۰۲).

اعتباربخشی فرآیندی است که طی آن اعتبار و منزلت علمی، پژوهشی و آموزشی یک نظام دانشگاهی از طرف یک هیئت ارزیابی کننده (شورای عالی اعتبار سنجی، مؤسسات حرفه‌ای، انجمن‌های علمی، نهادهای رسمی، سازمان‌های غیر دولتی و...) با توجه به استانداردهای تعیین شده، به آن نظام اعطا می‌شود و با استفاده از ابزارهایی چون «سنجش» و «نظارت» و ارزیابی

مستمر شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی و سرانجام مورد قضاوت و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد که آیا دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزشی و پژوهشی از حداقل استانداردها در برهه‌ای از زمان برخوردار هستند یا خیر؟ (دانشگاه واشینگتن، ۲۰۰۲). بنابراین تعریف اعتباربخشی دو کارکرد اصلی دارد. اولین کارکرد حداقل «کنترل کیفیت»^۲ و دومین آن «تضمین کیفیت»^۳ است. در حقیقت اعتباربخشی پاسخگو کردن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و فرآیند کنترل کیفیت مؤسسات و برنامه‌های آنها به منظور کسب اطمینان از احراز استانداردها و شاخص‌های قابل پذیرش و تضمین شده، است.

انواع استانداردها در ارزیابی کیفیت آموزش و اعتباربخشی

به تناسب هدفی که استانداردها دنبال می‌کنند، طبقه‌بندی‌های مختلفی از آنها ارائه می‌شود که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

استانداردهای کمی در مقابل استانداردهای کیفی: استانداردهای کمی دارای عدد مشخص هستند و این رویکرد برخاسته از بخش صنعت است، اما در ارزیابی، کیفیت آموزش نیز مدنظر قرار می‌گیرد. مواردی مانند نسبت تعداد دانشجو به اعضای هیأت علمی، تعداد مقالات معتبر نوشته شده بوسیله اعضای هیأت علمی یا فضای آموزشی به ازای هر دانشجو شاخص‌هایی در این حوزه است.

استانداردهای پایه در مقابل استانداردهای تعالی:^۴ استانداردهای پایه بر وجود حداقل‌های لازم تأکید می‌کند، اما در استانداردهای تعالی به بهبود کیفیت یا ارتقای کیفیت توجه می‌شود. در صورتی یک مؤسسه واجد شرایط علمی شناخته می‌شود که به استانداردهای پایه دست یابد. زمانی که مؤسسه اعتبارنامه علمی دارد و به دنبال ارتقای جایگاه خود در رتبه‌بندی است به دنبال دست‌یابی به استانداردهای تعالی است.

استانداردهای مطلق در مقابل استانداردهای نسبی:^۵ استانداردهای مطلق برای انجام یک داوری دوبرخشی قابل قبول- غیرقابل قبول مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً زمانی که می‌خواهیم در مورد موفقیت یا عدم موفقیت یک برنامه قضاوت کنیم، استفاده از استانداردهای مطلق در نهایت به این تصمیم منجر می‌شود. زمانی که هدف مقایسه یک برنامه با برنامه دیگر است نیازی به استاندارد مطلق نیست.

استانداردهای محتوا در مقابل استانداردهای برنامه^۶: استانداردهای محتوا، آنچه که یک دانشجو بعد از گذراندن دوره آموزشی باید بداند یا بتواند انجام دهد، را نشان می‌دهند و بر برنامه درسی تمرکز دارد. استانداردهای برنامه‌ی آموزشی نشان‌دهنده‌ی سطحی از الزامات در خصوص درونداد، فرآیندها و برونداد است. یعنی بر خلاف استاندارد محتوا بر همه اجزا آموزش تأکید می‌کند. استانداردهای اعتباربخشی را با اندکی اغماض می‌توان معادل استانداردهای برنامه تلقی نمود.

استاندارد عمومی در مقابل استاندارد اختصاصی^۷: زمانی که استاندارد برای یک سطح به خصوصی از رشته‌های مختلف آموزشی (مثلا دوره کارشناسی یا کارشناسی ارشد) بیان می‌شود، می‌توان آن‌ها را استانداردهای عمومی دانست. بنابراین می‌توان تعدادی استاندارد عمومی تدوین نمود که بتوان صرف نظر از رشته تحصیلی مدنظر قرار گیرد و سپس متخصصان هر رشته تحصیلی استانداردهای مربوط به رشته خودشان را تدوین نمایند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۴).

اعتباربخشی در دانشکده‌های کسب و کار و رشته‌ی حسابداری

نظر به کاربردی بودن و تشابهات رشته‌های مربوط به تجارت و کسب و کار، در اغلب دانشگاه‌ها دنیا و کشور ما معمولا رشته‌های مختلف مدیریت، حسابداری و اقتصاد در یک دانشکده سامان می‌یابند و از این رو استانداردهای ارزیابی کیفیت و اعتباربخشی مشابه‌ای نیز در مورد آن‌ها تدوین شده است که در ادامه به معرفی نهادهای اعتباربخشی در دانشکده‌های کسب و کار و استانداردهای آن‌ها می‌پردازیم.

انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار

انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار^۸ در سال ۱۹۱۶ به منظور اعتباربخشی دانشکده‌های کسب و کار تاسیس شد. اولین گواهی آن در سال ۱۹۱۹ صادر شد. مأموریت فعلی آن ارتقاء کیفیت آموزش مدیریت در سراسر جهان از طریق ارائه گواهی رسمی، رهبری فکری، و خدمات ارزش افزوده است. آخرین استانداردهای اعتباربخشی این انجمن در سال ۲۰۱۵ مورد تصویب قرار گرفته است. این استانداردها اطمینان می‌دهند که آموزش در این دانشکده‌ها

به نحوی انجام می‌شود که منافع ذی‌نفعان اصلی یعنی دانشجویان و کارفرمایان به نحو درستی تامین می‌شود. این استانداردها سبب می‌شوند تا نوآوری، تعامل دانشجویان، کارمندان و جوامعی را که در آن خدمت می‌کنند، افزایش یابد. کمیته بلو روین^۹ در اعتباربخشی کیفیت، متصدی ارزیابی و بهبود کیفیت استانداردها، فرآیندها و زیرساخت است. این کمیته پس از بیش از دو سال مطالعه و همکاری با جامعه جهانی آموزش مدیریت و سازمان کارفرمایان، مجموعه‌ای جدید از استانداردهای را تدوین نمود.

تا سال ۲۰۱۶، ۷۷۵ دانشکده گواهی اعتباربخشی، انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار را در ۵۲ کشور دریافت کرده‌اند. این تعداد کمتر از ۵٪ کل دانشکده‌های کسب و کار در جهان است. نکته قابل توجه دیگر آن است که عضویت، متفاوت از دریافت گواهی است؛ یک دانشکده ممکن است عضو انجمن باشد، اما هنوز موفق به دریافت گواهی نشده باشد. ۱۳۳۳ دانشکده از ۸۴ کشور و منطقه، عضو این انجمن اعتباربخشی هستند.

استانداردهای انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار

اعتباربخشی انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار برای همه‌ی مقاطع تحصیلی قابل انجام است و این فرآیند به طور داوطلبانه و با تقاضای دانشکده یا دانشگاه انجام می‌شود. فرآیند اعتباربخشی شامل ارزیابی درونی^{۱۰} و بررسی همگن‌ها^{۱۱} است. مراحل اعتباربخشی در این انجمن به این ترتیب است:

۱. ارائه درخواست شایستگی^{۱۲}
۲. تصویب درخواست شایستگی و ورود به مرحله پیش اعتباربخشی^{۱۳}،
۳. برآورده نمودن همه استانداردهای اعتباربخشی و الزامات مرحله پیش اعتباربخشی و دریافت گواهی اولیه اعتباربخشی،
۴. بررسی بهبود مداوم^{۱۴} که برای همه دانشکده‌های که گواهی اولیه را دریافت کرده‌اند، الزامی است و هر ۵ سال یکبار انجام می‌شود.

استاندارد اعتباربخشی انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار

این استانداردها در دو قسمت استانداردهای اعتباربخشی دانشکده‌های کسب و کار و استانداردهای اعتباربخشی حسابداری آمده است. در اعتباربخشی دانشکده‌های کسب و کار، مقوله‌های کلی استاندارد شامل معیارهای شایستگی، استانداردهای اعتباربخشی و ضمیمه است. استانداردهای اعتباربخشی در دانشکده کسب و کار به طور کلی شامل نوآوری و مدیریت راهبردی، مشارکت کنندگان (دانشجویان، اعضای هیأت علمی و کارکنان)، یادگیری و تدریس و تعاملات علمی و حرفه‌ای است. نظر به شباهت بسیار زیاد این استاندارد در ادامه به صورت کلی آخرین استانداردهای اعتباربخشی حسابداری را توضیح می‌دهیم (انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار، ۱۵، ۲۰۱۵).

مقدمه استاندارد: در بخش مقدمه ابتدا به تغییرات محیط کسب و کار، تغییرات نیازها و تقاضاهای اجتماعی از واحدهای کسب و کار پرداخته شده است و بر لزوم پاسخ‌گویی دانشکده‌های کسب و کار و حسابداری تأکید می‌کند. در ادامه بیان می‌کند که این استانداردها و فرآیند اعتباربخشی نه تنها کیفیت آموزش حسابداری و مدیریت و موثر بودن پژوهش‌های آن‌ها را اعتبار می‌بخشد، بلکه رهبری، تعهد و پشتیبانی از تغییرات مناسب در دانشکده یا بخش را نیز به همراه دارد. فرآیند اعتباربخشی نهایتاً از طریق قضاوت حرفه‌ای گروه همگن‌ها که درگیر این فرآیند هستند مدنظر قرار می‌گیرد. این فرآیند سه حوزه اساسی شامل نوآوری، اثر و تعامل^{۱۶} را در بر دارد. دانشکده و بخش باید با نگاه راهبردی به دنبال فعالیتهای نوآورانه بوده و همزمان ریسک این گونه فعالیتهای را نیز در نظر داشته باشند. در بحث «اثر» به پاسخ‌گویی در مورد کیفیت ورودی‌ها (منابع انسانی، مالی فیزیکی و...) و نتایج خروجی‌ها و استفاده کارا و موثر از منابع با توجه به مأموریت و راهبردهای انتخاب شده تأکید شده است و نهایتاً دانشکده و رشته حسابداری باید بتوانند بر تئوری، آموزش و رویه‌های اجرایی در حسابداری اثرات مثبت گذارند. در بحث تعامل، تعاملات بین حرفه و دانشگاه، ارتقاء رویه‌های اجرایی و تئوری حسابداری مدنظر قرار گرفته است. در قسمت آخر مقدمه به اهمیت آموزش حسابداری و نقش و جایگاه و اثرات آن در پشتیبانی از بازار کارای سرمایه، تصمیم‌گیری مدیران و تامین منافع عمومی تأکید شده است.

معیارهای شایستگی: معیارهای شایستگی به دنبال دست‌یابی به سه هدف اساسی هستند. نخست ارزش‌های پایه‌ای و اصول راهنمایی که به اعتقاد انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار، مهم هستند این موارد شامل رعایت اصول اخلاقی، تعاملات مناسب عوامل دانشکده و محیط دانشگاه و تأکید و تمرکز بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است. دوم، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که زمینه را برای بررسی همگن‌ها و توافقی‌هایی جهت اعتباربخشی به رشته حسابداری را فراهم آورد. مواردی مانند مشخص بودن دامنه بخش حسابداری و عضویت در انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار، سازمان‌دهی مناسب و فراهم بودن امکانات مرتبط با نیروی انسانی، مالی، زیربنایی، فیزیکی و ایجاد فرآیندها جهت بهبود مستمر مد نظر است. سوم، ویژگی‌های اصلی و اساسی ایجاد کیفیت در رشته حسابداری باید توسط موسسه مورد تأکید قرار گیرد و تهیه اطلاعات دقیق جهت بررسی رعایت استانداردها مدنظر است.

استانداردهای انجمن: از آنجا که اعتباربخشی به حسابداری در ادامه فرآیند اعتباربخشی به دانشکده کسب و کار صورت می‌گیرد، بنابراین برخی از استانداردها بین دانشکده‌های کسب و کار و حسابداری مشترک بوده و تعدادی از استانداردها خاص بخش حسابداری است. این بخش از استانداردها عموماً به حرفه حسابداری مربوط می‌شود و مشابه مواردی است که در رشته حقوق یا پزشکی مورد توجه قرار می‌گیرد. در مورد استانداردهای مشترک، رشته یا بخش حسابداری موظف نیست که مستندات مجزا نگه‌داری نماید. در هر کدام از این استانداردها مبانی برای انجام قضاوت و راهنمایی‌هایی جهت مستندسازی ارائه شده است.

- پذیرش دانشجو، پیشرفت و توسعه اشتغال: این استاندارد بر سیاست‌ها و رویه‌هایی جهت پذیرش دانشجو و همچنین اطمینان از پیشرفت تحصیلی جهت تکمیل تحصیلات و توسعه اشتغال که این موارد به صورت روشن و موثر با مأموریت و راهبردهای دانشکده مربوط است، تأکید دارد.
- مدیریت و پشتیبانی دانشکده: این استاندارد بر ایجاد از تباطات مناسب و مستندسازی فرآیندها در خصوص پشتیبانی از اعضای هیأت علمی و سایر کارکنان با مدیریت تأکید دارد و این موضوع که مدیریت و پشتیبانی دانشکده با مأموریت و راهبرد دانشکده منطبق است، مورد تأکید قرار دارد.

- وجود و کفایت کارکنان حرفه‌ای: این استاندارد بر استخدام و نگه‌داری نیروی کار حرفه‌ای و سایر خدمات مورد نیاز به اندازه کافی جهت اطمینان از کیفیت خروجی‌ها برنامه‌های تحصیلی و همچنین دست‌یابی به دیگر اهداف راهبردی، تأکید دارد.
- محتوای برنامه‌های درسی^{۱۷}: این استاندارد بر مناسب بودن محتوای برنامه درسی جهت برآورده نمودن اهداف کلی و اهداف یادگیری در رشته مورد نظر، تأکید دارد. مثلاً در مورد مقطع کارشناسی بر دو مقوله مهارت‌های عمومی (مهارت‌های گفتاری و نوشتاری، درک و استدلال اخلاقی، تفکر تحلیلی، فن‌آوری اطلاعات، روابط بین فردی و کارگروهی، کار در محیط چند فرهنگی، دانش کاربردی) و مهارت‌های کلی مدیریتی و کسب و کار (اقتصاد، سیاست، تکنولوژی و بستر اجتماعی کسب و کار، مسئولیت اجتماعی و رویکردها و رفتار اخلاقی مدیریت، تئوری‌های مالی و تجزیه و تحلیل گزارشات و بازارهای مالی، سیستم‌ها و فرآیندهای سازمانی، رفتارهای فردی و اجتماعی در سازمان و جامعه، تکنولوژی اطلاعات، آمار و تحلیل داده‌های سازمان و سایر موارد مورد نیاز) تأکید دارد.
- تعاملات دانشجوی با دانشکده: این استاندارد بر تعاملات مناسب دانشجو با اعضای هیأت علمی^{۱۸} و دانشجو با دانشجو^{۱۹} جهت دست‌یابی به اهداف یادگیری، تأکید دارد.
- ساختار و طراحی برنامه مربوط به مدارک تحصیلی: ساختار و طراحی مناسب برنامه مربوط به مدارک تحصیلی شامل مدت زمان برای اخذ مدرک جهت اطمینان از سطح مطلوب دست‌یابی و یادگیری با کیفیت و همچنین ساختار و طراحی مناسب در خصوص مدارک معادل، نیز در این استاندارد مدنظر قرار گرفته است. در تعاریف استاندارد، به زمان آموزش و شیوه‌های آموزش (چهره به چهره یا آنلاین) اشاره شده است.
- اثربخشی آموزش: این استاندارد بر وجود سیاست‌ها و رویه‌هایی در دانشکده جهت ارتقاء اثربخشی تدریس و آموزش اعضای هیأت علمی و حرفه‌ای برای رشته‌های تحصیلی، تأکید می‌کند. این استاندارد بر شیوه‌های تدریس و ارزیابی آن‌ها علاوه بر ارزیابی دانشجویی و حرکت به سمت بهبود مستمر اشاره می‌کند.
- درگیر شدن دانشجویان از لحاظ آموزشی و حرفه‌ای^{۲۰}: این استاندارد بیان می‌کند که برنامه درسی باید درگیر شدن دانشجویان در فعالیتهای آموزشی و حرفه‌ای متناسب با اهداف

یادگیری را فراهم نماید. یعنی هم بر جنبه نظری آموزش و هم بر جنبه عملی و حرفه‌ای آن تاکید شده است.

- آموزش‌های اجرایی (بدون مدرک)^{۲۱}: این استاندارد بر کیفیت آموزش‌هایی تاکید می‌کند که منتهی به ارائه مدرک تحصیلی رسمی نمی‌شود. در صورتی که این نوع آموزش در دانشکده مصداق دسته باشد، دانشکده باید سیاست و رویه‌های مناسب را جهت اطمینان از کیفیت آموزش و جلب رضایت مشتریان و حرکت به سمت بهبود مستمر اتخاذ نماید.

استانداردهای مربوط به نوآوری و مدیریت راهبردی: این بخش از استانداردها بر مدیریت راهبردی^{۲۲} تاکید دارد که بر این اساس کیفیت بخش حسابداری به تعریف روشن مأموریت^{۲۳}، انجام اقدامات عملی روی مأموریت و ترجمه مأموریت به نتایج مورد انتظار و تدوین راهبرد جهت دستیابی به این نتایج، بستگی دارد. در این بخش بر سه عنصر کلیدی شامل مأموریت و راهبرد، پژوهش و مشارکت‌های فکری و راهبردهای مالی تاکید شده است.

- مأموریت، اثر و نوآوری بخش حسابداری: استاندارد تاکید می‌کند که بخش حسابداری باید مأموریت خود را به طور روشن، مشخص و مفصل تدوین نموده و نتایج مورد انتظار از کاربرد مأموریت و راهبردها جهت دستیابی به این نتایج را مدنظر قرار دهد. بخش حسابداری دارای سوابقی است که موفقیت‌ها و بهبود و همچنین اقدامات آتی برای نوآوری و بهبود مستمر در مسیر مأموریت، نتایج مورد انتظار و راهبردها را نشان می‌دهد.

- اثرات مشارکت فکری بخش حسابداری^{۲۴}: در این استاندارد بر مشارکت فکری بخش حسابداری با کیفیت بالا تاکید می‌شود که این مشارکت‌ها با مأموریت، نتایج مورد انتظار و راهبردهای بخش مطابقت داشته و بر نظریه، رویه‌های عملی و آموزش حسابداری، مدیریت و کسب و کار تأثیر می‌گذارد. این بخش از استاندارد بر دو نوع پژوهش بنیادی و کاربردی تاکید دارد و مشارکت بخش حسابداری در توسعه نظریه، رویه‌های عملی و آموزش را مدنظر قرار داده است.

- راهبردهای مالی و تخصیص منابع: این استاندارد بیان می‌کند که بخش حسابداری، راهبردهای مالی جهت تهیه منابع مناسب و کافی برای دستیابی به مأموریت و اقدامات عملی را دارا است. در قسمت مبانی، قضاوت بر وجود منابع مالی جهت تامین و ارتقاء

کیفیت آموزش و منابع مالی جهت ایجاد زیربناها و فعالیت‌ها (جهت آموزش چهره به چهره، آموزش از راه دور و آموزش اجرایی و پژوهش)، کلاس‌ها، دفاتر، کتابخانه، تجهیزات کامپیوتری و دیگر امکانات اولیه جهت عملیات با کیفیت بالا است. بخش منابع مالی کافی، مشارکت فکری و اثرگذار مطابق با مأموریت تعریف شده را دارد و بخش منابع مالی برای فعالیت‌های جاری و آتی به نحوی واقع‌بینانه شناسایی شده است.

مشارکت: مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی جهت دستیابی به مأموریت بخش بسیار حیاتی است. از این رو این استاندارد بر مشارکت سه عنصر اساسی انسانی یعنی دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی در بخش تأکید می‌کند. این استاندارد بر کفایت جذب و نگه‌داری اعضای هیأت علمی به منظور ایجاد اطمینان نسبت به خروجی‌ها تأکید دارد. همچنین دانشجویان در همه برنامه‌ها و رشته‌ها و مکان‌ها فرصت دریافت تعلیم‌های لازم را از اعضای هیأت علمی واجد شرایط دارند.

استانداردهای تدریس و یادگیری: بخش حسابداری با کیفیت بالا دارای فرآیندهایی برای مشخص کردن میزان تحقق اهداف یادگیری است که این فرآیندها مربوط و مناسب هستند و طراحی برنامه درسی جهت حداکثرسازی اهداف یادگیری دانشجویان و موفقیت در تربیت حسابداران بالقوه مدنظر قرار می‌گیرد. این استاندارد به دنبال عوامل کلیدی تدریس و یادگیری موثر است.

- مدیریت برنامه درسی حسابداری و اطمینان از یادگیری: این استاندارد تأکید می‌کند که بخش حسابداری مستندات و فرآیندهای سیستماتیک برای تعیین و بازنگری اهداف یادگیری رشته شامل طراحی، ارائه و بهبود برنامه‌های درسی و اطمینان از میزان محقق شدن این اهداف را دارد. اهداف یادگیری نشان‌دهنده انتظارات آموزشی برای هر رشته است. برنامه درسی که نشان‌دهنده جزئیات دستیابی به این اهداف است. در برنامه درسی بر محتوای آموزش (تئوری، مفاهیم، مهارت و...)، تکنیک‌های آموزشی (روش تدریس و مدل ارائه) و ساختارها (سازمان‌دهی و ترتیب مناسب ارائه محتوا جهت ایجاد تدریس و یادگیری سیستماتیک و یکپارچه) تأکید شده است. اطمینان از یادگیری به فرآیندها، اطمینان از دستیابی به اهداف و انتظارات حکایت دارد و مدیریت برنامه درسی بر فرآیندها و سازمان‌دهی جهت تدوین، طراحی و اجرای برنامه درسی حکایت دارد.

- محتوای برنامه درسی حسابداری: این استاندارد تأکید می‌کند که محتوای برنامه درسی رشته جهت برآورده نمودن انتظارات و الزامات حرفه‌ای و اهداف یادگیری مربوطه مناسب است. این استاندارد محتوای برنامه درسی حسابداری را برگرفته از نقش حسابداران در جامعه می‌داند. به عبارتی ایجاد، جمع‌آوری، تفسیر، گزارش، ارتباط و اطمینان از صحت اطلاعات مالی، مدیریت و دیگر اطلاعات مربوطه تحت این استاندارد مورد بحث و بررسی است. این استاندارد در مورد برنامه درسی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا حسابداری به کلیات برنامه‌ها اشاره کرده است.
- دانش و مهارت‌های فن‌آوری اطلاعات: در راستای مأموریت، نتایج مورد انتظار و راهبردهای برنامه حسابداری باید شامل تجارب یادگیری جهت توسعه مهارت و دانش فن‌آوری اطلاعات به نحو یکپارچه با حسابداری و کسب و کار باشد. این توانایی‌ها شامل ایجاد، اشتراک‌گذاری، تحلیل، گزارشگری، ذخیره‌سازی داده‌ها و داده‌کاوی برای سازمان و با سازمان‌های دیگر می‌شود. تمرکز مستقل یک استاندارد بر فن‌آوری اطلاعات و نقش آن در حرفه حسابداری نشان از اهمیت بسیار بالای آن دارد؛ موضوعی که در برنامه درسی و آموزش دانشگاهی رشته حسابداری در ایران کمتر به آن توجه شده است.

حسابداری دانشگاهی، اشتغال حرفه‌ای و تعاملات حرفه‌ای: برای بخش حسابداری اخذ گواهی اعتباربخشی از انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار مهم است. باید هم مطالعه علمی و هم رویه‌های عملی حسابداری، کسب و کار و مدیریت مهم تلقی شود و دانشکده و بخش حسابداری توازنی منطقی بین مطالعات دانشگاهی و درگیری‌های حرفه‌ای ایجاد کند. اگر نسبت به یکی از این جنبه‌ها بی‌تفاوت باشد، هم برنامه‌های درسی مربوط به رشته و هم پژوهش‌ها آسیب می‌بینند. بنابراین اعتباربخشی متوازن و یکپارچه دانشگاه و حرفه و تعامل مداوم بین این دو در راستای مأموریت تعریف شده، می‌باشد. بسیار مهم است که مطالعات دانشگاهی، اشتغال حرفه‌ای و تعاملات بین این دو به شکل فعالیت‌های مجزا در بخش حسابداری نباشد. این بخش از استانداردها بر ایجاد و افزایش تعاملات دانشگاه و حرفه متناسب با مأموریت بخش حسابداری تأکید دارد. با تشویق تعاملات مناسب بین اعضای هیأت علمی، دانشجویان و حرفه‌ای‌ها، آموزش و یادگیری مورد حمایت قرار می‌گیرد، یادگیری عملی ارتقاء می‌یابد و منجر به ایجاد نوآوری در آموزش و پژوهش حسابداری خواهد شد.

- گواهی‌های حرفه‌ای دانشکده: این استاندارد تأکید می‌کند که بخش حسابداری باید دارای تعداد کافی افراد با اعتبار حرفه‌ای حسابداری، مدارک تحصیلی، گواهی‌ها و تجارب حرفه‌ای و واحدی برای بکارگیری این افراد در راستای مأموریت، نتایج مورد انتظار و راهبردهای حمایتی باشد. این موضوع در آموزش حسابداری در ایران به‌طور کلی نادیده گرفته شده است و آیین‌نامه‌های استخدام و ارتقاء هیأت علمی و سیاست‌های گزینش بخش یا دانشکده، هیچ توجهی به این موضوع ننموده‌اند. در اختیار نداشتن افراد آشنا به حرفه، دانشگاه و حرفه را از هم بیگانه می‌کند.
- تعاملات با حرفه و اعضای هیأت علمی واجد شرایط: این استاندارد تأکید می‌کند که بخش حسابداری بر استخدام و نگه‌داشت افراد و اعضای هیأت علمی تمرکز نماید که به صورت جمعی یا انفرادی، به اشتغال حرفه‌ای یا تعاملات حرفه‌ای و دانشگاهی می‌پردازند و در راستای ایجاد سرمایه‌های فکری لازم جهت حمایت از نتایج با کیفیت و در میسر مأموریت و راهبرد دانشکده، تمایل نشان می‌دهند. در بخش ضمیمه‌ی استاندارد به مثال‌هایی در مورد مقیاس‌های اثرگذاری و مستندات پشتوانه آن‌ها پرداخته شده است.

بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت

بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت^{۲۵}، سیستم بهبود کیفیت اروپایی است که در سال ۱۹۹۸ تاسیس و تاکنون تعداد ۱۳۸ نهاد را در ۱۳۸ کشور مختلف اعتباربخشی نموده است. این سیستم اعتباربخشی متخصص دانشکده‌های مدیریت و کسب کار است. اعتباربخشی توسط این سیستم می‌تواند مشروط و برای سه سال و یا غیر مشروط و برای پنج سال صورت گیرد. بین‌المللی کردن^{۲۶} یکی از جنبه‌هایی است که این استانداردها در مقایسه با استانداردهای انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار، به آن توجه کرده‌اند.

استانداردهای اعتباربخشی سیستم بهبود کیفیت اروپایی^{۲۷}

استانداردهای این نهاد با تأکید بر مأموریت و راهبرد تدوین شده است. در ادامه به‌طور خلاصه محتوای استانداردها بیان می‌شود. در هر کدام از این فصول و استانداردهای مربوطه باید

اطلاعات و مدارک مربوط به ارزیابی درونی و همچنین اطلاعات و مدارک جهت ارزیابی همگن‌ها ارائه شود (سیستم بهبود کیفیت اروپا، ۲۰۱۴).

بافت، نحوی اداره و راهبرد: در این فصل معیارهای ارزیابی به طور کلی بیان می‌شوند. محیط فعالیت، وضعیت دانشکده، نحوی اداره، رسالت، مأموریت و ارزش، استراتژی فعلی، جهت و اهداف استراتژیک در این بخش مدنظر قرار می‌گیرد. همچنین برنامه‌ریزی استراتژیک، تضمین کیفیت، رعایت اخلاق و تلفیق آن با مسئولیت‌پذیری و بقا و نهایتاً ارتباطات مناسب با شرکت‌ها، در این فصل مورد تأکید قرار گرفته است.

برنامه‌ها: در این فصل به برنامه‌ها و دوره‌های درسی و معیارهای ارزیابی آن‌ها پرداخته شده است. پرتفوی برنامه‌ها، طراحی و محتوای برنامه‌ها، تحصیل توانایی‌های لازم جهت ارائه برنامه‌ها، نحوی ارائه برنامه، ارزشیابی دانشجویان، ارزیابی برنامه، بین‌المللی سازی، اخلاق، مسئولیت و بقا و مربوط بودن به شرکت^{۲۸} در این فصل مدنظر قرار گرفته است. جنبه بین‌المللی سازی تأکید می‌کند که دانشکده باید توضیح دهید که کدام برنامه‌ها بر دانشجویان بین‌المللی تأکید دارد. در سه سال گذشته چند دانشجوی بین‌المللی پذیرش نموده است. چه برنامه‌هایی را به طور مشترک با سایر دانشگاه‌های خارجی ارائه نموده است. در استاندارد مربوط بودن به شرکت بیان می‌کند که دانشکده باید نشان دهد که دیدگاه شرکت و نیاز آن‌ها در اهداف یادگیری و محتوای درسی به نحو مناسب گنجانده شده است و همچنین از حرفه به نحو مناسب جهت ارائه دروس استفاده شده است.

دانشجویان: این فصل از استاندارد بر دانشجویان تأکید دارد. ترکیب و معیارهای گزینش دانشجویان، واحدها درسی و پیشرفت آن‌ها، خدمات مشاوره و حمایتی به دانشجویان، حمایت و کارایی، روابط با فارغ‌التحصیلان، بین‌المللی سازی، اخلاق، مسئولیت و بقا و نهایتاً ارتباطات با شرکت مدنظر قرار گرفته است. در رابطه با حمایت شغلی و حرفه‌ای، دانشکده باید آمارهایی را در خصوص استخدام فارغ‌التحصیلان، توزیع جغرافیایی استخدام، حقوق آن‌ها، درصد استخدام فارغ‌التحصیلان ۶ ماه پس از فارغ‌التحصیل شدن، ارائه لیست از کارفرمایان اصلی در ۵ سال گذشته را ارائه نماید. همچنین خدماتی در خصوص ارائه فرصت‌های شغلی و نحو آماده شدن برای آن‌ها را به دانشجویان ارائه نماید.

دانشکده: این فصل از استاندارد به دانشکده و موارد مربوط به آن می‌پردازد. اندازه، ویژگی‌ها و ترکیب دانشکده، مدیریت دانشکده، توسعه و بین‌المللی سازی دانشکده، اخلاق، مسئولیت و بقا و نهایتاً ارتباطات با شرکت در این استاندارد مدنظر قرار گرفته است. در بخش ارتباطات با شرکت، استاندارد بر ماهیت روابط بین دانشکده و شرکت‌ها (از طریق مشاوره، آموزش ضمن خدمت، عضویت در هیأت‌مدیره و...) توجه می‌کند.

تحقیق و توسعه: این فصل از استانداردها بر فعالیت‌های پژوهشی تمرکز دارد. توسعه و نوآوری، جنبه‌های بین‌المللی تحقیق و توسعه، اخلاق، مسئولیت و بقا و نهایتاً ارتباطات بین تحقیق و توسعه با دنیای شرکت‌ها، در این فصل مدنظر قرار گرفته است. در استاندارد سه دسته پژوهش دانشگاهی، حرفه‌ای و آموزشی مدنظر قرار داده شده است که هر کدام از این پژوهش‌ها به دنبال هدف خاصی هستند و ترکیب مناسب این سه دسته پژوهش، می‌تواند منجر به پیشرفت و توسعه دانشکده شود.

آموزش‌های اجرایی (بدون مدرک): آموزش‌های اجرایی ممکن است در فرآیند اعتباربخشی مدنظر قرار نگیرند، اما به هر حال بخشی از فعالیت دانشکده را به خود اختصاص داده و در کل می‌تواند موثر باشد. بنابراین فصل ۶ استاندارد به آموزش‌های اجرایی و موارد مربوط به آن پرداخته است. در مورد آموزش‌های اجرایی که عموماً به ارائه مدرک دانشگاهی رسمی نیز منتهی نمی‌شود مواردی مانند وضعیت دانشکده، پرتفوی آموزش، بازاریابی و فروش، مدیران یا مشارکت‌کنندگان در آموزش، اثرگذاری و کیفیت آموزش، دانشکده، تحقیق و توسعه، جنبه بین‌المللی سازی و اخلاق، مسئولیت و بقا مدنظر قرار گرفته است.

منابع و مدیریت: در این فصل استاندارد بر منابع و مدیریت تأکید دارد. امکانات فیزیکی و محیط یادگیری، عملکرد مالی، مدیریت مالی، مدیریت ریسک، امکانات مربوط به مستندات و اطلاعات، امکانات رایانه‌ای، بازاریابی و روابط عمومی، مدیریت کادگان و خدمات و اخلاق، مسئولیت و بقا از جمله مواردی است که در این فصل مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بین‌المللی سازی: اگر چه بین‌المللی سازی جنبه‌ای است که در اغلب فصل‌های استاندارد مورد توجه قرار گرفته است، اما در فصل هشتم نیز مجدداً به صورت مجزا مطرح شده است. در این فصل تأکید شده است که بین‌المللی سازی باید به روشنی در راهبرد و سیاست‌های دانشکده

تعریف شده باشد و باید آماده‌سازی دانشجویان در راستا و انطباق با محیط بین‌المللی باشد. در این فصل همچنین تعامل با سایر دانشکده‌های خارجی، جذب دانشجو از سایر کشورها و انجام پژوهش‌ها با دامنه و نگاه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

اخلاق، مسئولیت‌پذیری و بقا: علاوه بر فصول قبل استاندارد در این فصل نیز اخلاق، مسئولیت و بقا به صورت مجزا مورد تأکید قرار گرفته است. دانشکده باید از نقش خود به عنوان «شهروند با مسئولیت جهانی»^{۲۹} و ارتباط آن با اخلاق و بقا، درک روشنی داشته باشد. **اخلاق** به آن دسته از رفتارهای دانشکده اطلاق می‌گردد که باید مبتنی بر ارزش‌های درستکاری، عدالت و صداقت باشد. این ارزش‌ها نشان دهنده علاقه به مردم، جامعه و محیط بوده و نیز نشانگر تعهد دانشکده برای ترغیب و تشویق رفتارهای اخلاقی در هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان خود، از طریق شناسایی، اعلام و اجرای معیارهای اخلاقی در تصمیمات و فعالیت‌های دانشکده می‌باشد. مشخصه اصلی **مسئولیت‌پذیری**، تمایل برای آمیختن تصمیم‌گیری‌های خود با ملاحظات گسترده‌تر اجتماعی و محیطی و جوابگو بودن در مقابل تأثیرات این تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها بر جامعه و محیط می‌باشد. مسئولیت‌پذیری با **بقا** با محیط رابطه‌ای نزدیک دارد. سازگاری با محیط نسبت به چالش‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی، و نیز نسبت به اهداف مشترک در جامعه و کل جهان می‌باشد. سازگاری با محیط به مسائلی از قبیل استفاده از منابع به صورت سازگار، مصرف به صورت سازگار و ایجاد یک جامعه و اقتصاد سازگار با محیط اشاره دارد.

ارتباطات با شرکت‌ها: ارتباط با شرکت‌ها و محیط کسب و کار در فصول قبل نیز مورد تأکید بوده که نظر به اهمیت آن در این فصل به طور مجزا مورد تأکید قرار گرفته است. ارتباطات با شرکت‌ها و دنیای واقعی کسب و کار باید به شکل مدون و روشن در راهبرد و سیاست‌های دانشکده انعکاس یافته و دانشجویان باید درک عملی از محیط واقعی کسب نمایند.

نتیجه‌گیری

اعتباربخشی در آموزش دانشگاهی ابزاری است که جهت ارتقاء و اطمینان از کیفیت آموزش مدنظر قرار می‌گیرد. اعتباربخشی خصوصاً در رشته‌های کاربردی که نیازمند به اعتماد عمومی بیشتری هستند مانند پزشکی و رشته‌های مرتبط، حقوق، مدیریت و حسابداری نمود بیشتری

دارد. از این رو دانشکده‌های کسب و کار که به دنبال جذب اعتماد عمومی بیشتر و ارتقاء کیفیت آموزش‌های خود هستند، متقاضی دریافت گواهی‌های اعتباربخشی می‌شوند. موسسات اعتباربخشی نیز با تدوین استانداردهای مناسب و متناسب با دنیای واقعی ملاک‌ها و معیارهای ارزیابی را ارائه می‌کنند تا ارزیابی‌ها و قضاوت در مورد عملکرد دانشکده‌ها و رشته‌ها بر اساس آن‌ها انجام شود. نظر به تفاوت ماهوی رشته‌ها و دانشکده‌ها تدوین استانداردهای مجزا، لازم به نظر می‌رسد. در سطح بین‌المللی در مورد دانشکده‌های کسب و کار، انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار و بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت، دو نهادی هستند که اعتباربخشی را انجام می‌دهند. بنیاد اروپایی با تمرکز بر دانشکده‌های کسب کار استانداردهای خود را در قالب ۱۰ فصل ارائه نموده و دانشکده‌های متقاضی را بر این اساس ارزیابی می‌کنند و نگاه بین‌المللی دارند. انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار با تمرکز بر دانشکده‌های کسب و کار به عنوان یک دانشکده و توجه به حسابداری به عنوان یک رشته مجزا استانداردهای اعتباربخشی خاصی برای رشته حسابداری ارائه نموده است. در این مقاله تلاش شده است تا با تمرکز بر استانداردهای این دو نهاد، نقاط تمرکز اساسی بر کیفیت آموزش دانشگاهی خصوصاً در رشته حسابداری را برجسته نماییم. ویژگی‌های اساسی این استانداردها تمرکز بر راهبرد و تهیه و تدوین آن، توجه به محیط کسب و کار و ارتباط با شرکت‌ها و آموزش عملی، مدیریت مناسب منابع، تلفیق مناسب جنبه‌های مختلف رشته حسابداری (تئوری، پژوهش و رویه‌های عملی) و رعایت اخلاق بوده است.

پی نوشت

- | | | | |
|----|---|----|--|
| ۱ | Mark of Quality | ۲ | Quality control |
| ۳ | Quality assurance | ۴ | Basic vs. Excellence Standards |
| ۵ | Absolute vs. Relative Standards | ۶ | Content vs. Educational Program Standards |
| ۷ | General vs. Subject p or Specific Standards | ۸ | The Association to Advance Collegiate Schools of Business(AACSB) |
| ۹ | Blue Ribbon Committee (BRC) | ۱۰ | Self-Evaluation |
| ۱۱ | peer-review | ۱۲ | Eligibility Application |
| ۱۳ | PreAccreditation | ۱۴ | Continuous Improvement Review |
| ۱۵ | AACSB | ۱۶ | Engagement |

۱۷	Curricula Content	۱۸	student-faculty interactions
۱۹	student-student interactions	۲۰	Student Academic And Professional Engagement
۲۱	Executive Education	۲۲	Strategic Management
۲۳	Mission	۲۴	Accounting Intellectual Contributions' Impact
۲۵	European Foundation for Management Development(EFMD)	۲۶	Internationalization
۲۷	European Quality Improvement System(EQUIS)	۲۸	Corporate Relevance
۲۹	Globally Responsible Citizen		

منابع

- AACSB International (2015). Eligibility Procedures and Accreditation Standards for Accounting Accreditation. [Online] Available: <http://www.aacsb.edu/accreditation>
- Bazargan, A. (1995). "Approaches to evaluation of higher education institutions' educational Research Council of Iran, Tehran, pp: 16-1 (in Persian).
- Bazargan, A. (2000). Internal Evaluation as an Approach to revitalize University systems: The case of the Islamic Republic of Iran , Higher Education Policy. Vol. 13, PP. 173-180
- Bazargan, A. (2001). Educational evaluation, samt, Tehran (in Persian).
- Damme, D. V. (2000). Accreditation in global Higher Education, The need for international information and cooperation , Memo for the Commission on global accreditation of The international association of University President, [online] Available: www.io.org/grp/5/dvandamme.
- EQUIS (2016). EFMD Quality Improvement System The EFMD Accreditation For International Business Schools EQUIS Standards And Criteria. Document Version January [online] Available: www.efmd.org/index.php/accreditation
- Girtz, B. (1999). the Quality concept in Higher Education , [online] Available: www.uou.uadom.uu.se/kvalard/bidrkonf.html.
- Gouhardja, I. E. (1999). Response on New paradigm in Higher Education , [online] Available: www.L.rad.net.Id/Hi.Ed-seminar/paper/edi-html
- Kekale, J. (2002). Quality Assessment in Diverse Disciplinary setting. Higher Educaiom proceeding of 5th UNESCO-NGO collective consultation on Higher Education. Vol.2. paris.
- Lemaitre, M. J. (2002). Quality as politics ,Quality in Higher Education. Vol. 8, No. 1, pp. 29-37
- Mohammadi R. , Fatabadi J. , Yadegarzadeh Gh. Mirzamohammadi M. H. , Parand K. (2005). Quality Evaluation in Higher Education: Concepts, Principles, Methods, Criteria. Education Measurement Organization Country, Tehran (in Persian).

- Naderi A. and Kh. N Farrokhnejad (2005). "Quality Assessment (accreditation) of top graduate courses in educational administration educational psychology and sociology PhD groups Shiraz University", PhD thesis, University of Shiraz. Shiraz (in Persian).
- UNESCO. (2000). Higher Education in The twenty first century . Word confrence on Higher Education, UNESCO: Paris.
- University of Washington. (2002). 2003 Decennial Accreditation : 2003 Accreditation Evaluation Agenda, <http://www.washington.edu>.
- Zainabadi, H. R. , M. Salimi, F. Eshaghi, K. Parand (2005). Accreditation in America, development and future vision. Tehran: National Organization of Educational Testing (in Persian).

